دوشنبه 13/12/1403-2رمضان1446-3مارس2025-درس 102فقه رهبری سازمانی –شرائط و موانع اثر گذاری رهبری سازمانی –تسلیم و ضد آن شک

مساله 92: مدیران در مقام ایقای نقش رهبری رفتاری سازمانی ملزم هستند رفتار خود را مبتنی بر صفت تسلیم تنظیم نمایند و پیروان نیز ملزم به تبعیت از این رفتار مدیر خود هستند تا فرهنگ تعالی بخش تسلیم در سازمان حاکمیت یابد و کلیه برنامه ها جهت تسلیم به سوی حق داشته باشد

***شرح مساله***: معلوم شد که شک ضد تسلیم و از جنود جهل است ازاله اش از میدان سازمان الزامی است سازمان با تردید متزلزل وبا تسلیم منسجم و دژگونه میشود فرهنگ سازمانی تسلیم مطلوب ترین وزیر بنایی ترین فرهنگ های سازمانی است اهالی سازمان باید تسلیم حق باشند معیار حق هم احکام اسلام است که احکام سازمانی نباید با آن منافات داشته باشد بلکه همان احکام باید حاکم باشد احکام سازمانی باید محکوم احکام شرع باشند و این عینا حاکمیت فرهنگ تسلیم است که باعث میشود کارکنان سازمان، تسلیم حقانیت دین باشند و اداره اسلامی را سرلوحه کار قرار دهند تسلیم اسلام باشند تسلیم از مدیر راهبر آغاز میشود لعموم قوله تعالی :" فان تولوا قل اسلمت وجهی لله و من اتبعن.." [[1]](#footnote-1) و "انا اول المسلمین" "اذ قال له ربه اسلم قال اسلمت لرب العالمین"[[2]](#footnote-2)و"امرت لاکون من المسلمین"[[3]](#footnote-3) و.... همه اینها ظاهرند در این که مدیران راهبر و اولوالعزم مامور به تسلیم در مقابل خدا هستند تسلیم وجه یعنی تسلیم جهت مدیران راهبر به سوی خدا جهت گیریهای برنامه ای سیاست گذاری افق مندی هدف مندی ماموریت نگاری و... همه اندیشه ورزیها جهت خدایی داشته باشد خدامحور و حق محور باشد و هوالحق . این تسلیم اگر فرهنگ شود و جمع را آهنگ تسلیم حق ببخشد سفینه سازمان تسلیم حق میشود وبه ساحل نجاح میرسد فرهنگ وآهنگ تسلیم را باید مدیران راهبر ساز کنند ملزم هستند لعموم :" وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ "[[4]](#footnote-4) اولین تسلیم از من آغاز میشود وپیروان او هم با همین ساز دمساز میشوند و یک صدا و ندا از سازمان بیرون می آید از ثمرات روحیه تسلیم این است که تردید ها ازاله میشوند به سرعت . خدامحوری و معاد باوری وقرآن داوری در سازمان حام میشود سلیقه ها و اذواق ذوب در آیین حق میشود .اهداف سازمان هم سو با مقاصد شریعت میشود . بردو بعد چشم انداز ها تا معاد میرسد . عزل و نصب ها با الگوی انسان کامل سامان میگیرد .یعنی با معاییر گزینشی که خدا برای منصوبین هر رشته در نظر قرار داده است هر سازمان به اقتضای رده خود تبعیت وتسلیم خود را از ملاکات و معیهارهای این چنینی اعلم میکنند این هم بعدی سازمانی از فرهنگ تسلیم .و با توجه به به این که فرهنگ سازمانی همان رفتار سازمانی تعمیم یافته در مجموعه است طبیعتا با رفتار رهبری سازمانی سامان میکیرد و آغاز میشود وتسری در جمع می یابد و این وظیفه مدیر را در رهبری اش سنگین میکند . که روز به روز بر درجه تسلیمش بیفزاید و از سلیقه ودائقه نفس به اصول وضوابط شرعی روی آورد این رفتار تسلیمانه مبنای فرهنگ تسلیم فیمابین پیروان او میشود همه تسلیم حق کقوله تعالی :" نحن له مسلمون" [[5]](#footnote-5) این فرهنگ همان فرهنگ هماهنگ ملکوتی و سماوی و ارضینی است لظهور :" له اسلم من فی السموات و الارض ..."[[6]](#footnote-6) و این همان تعالی سازمانی است که با حاکمیت رفتار تسلیمانه اعضاء شکل میگیرد . این معنای جندیت تسلیم ذیل جنود عقل است عقل هم به منافع و مصالح نهفته و محتمله در روحیه تسلیم در مقابل حق است عقل حکم به لزوم تسلیم میکند شرع هم تنفیذ میکند زیرا امر به تسلیم رهبری همچون ابراهیم ع میکند لظهور :" اذ قال له اسلم " خدا به او گفت تسلیم شو و شد که ظاهر در وجوب تسلیم است و لظهور " فله اسلموا " که یک تکلیف عمومی است پس هم رهبری خطاب اَسلِم دارد و هم پیروان خطاب اسلِموا در نتیجه تسلیم بر هر دو واجب است بویژه در رفتار و فرهنگ سازمانی که اینگونه مدیریت میشود با تسلیم .

فتحصل : مدیران در مقام ایفای نقش رهبری رفتاری سازمانی ملزم هستند رفتار خود را مبتنی بر صفت تسلیم تنظیم نمایند و پیروان نیز ملزم به تبعیت از این رفتار مدیر خود هستند تا فرهنگ تعالی بخش تسلیم در سازمان حاکمیت یابد و کلیه برنامه ها جهت تسلیم به سوی حق داشته باشد(والله العالم)

1. إِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ۗ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ ۚ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا ۖ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

پس اگر با تو جدال و گفتگوی خصومت آمیز کردند، [فقط در پاسخشان] بگو: من و همه پیروانمْ وجود خود را تسلیم خدا کرده ایم. و به اهل کتاب و به بی سوادانِ [مشرک] بگو: آیا شما هم تسلیم شده اید؟ پس اگر تسلیم شوند، قطعاً هدایت یافته اند، و اگر روی گرداندند [برتو دشوار و سخت نیاید] که آنچه بر عهده توست فقط ابلاغ [پیام خدا] ست؛ و خدا به بندگان بیناست. [↑](#footnote-ref-1)
2. إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ ۖ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ
[و یاد کنید] هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم باش. گفت: به پروردگار جهانیان تسلیم شدم. [↑](#footnote-ref-2)
3. 12زمر [↑](#footnote-ref-3)
4. إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَٰذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ
من فقط فرمان یافته ام که پروردگار این شهر را که آن را بسیار محترم شمرده و همه چیز در سیطره مالکیّت و فرمانروایی اوست، بپرستم و فرمان یافته ام که از تسلیم شدگان [فرمان ها و احکام او] باشم،91نمل [وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ12 زمر](https://quran.inoor.ir/fa/ayah/39/12/)

[و مأمورم که [در این آیین از] نخستین تسلیم شدگان [به فرمان ها و احکام] او باشم.](https://quran.inoor.ir/fa/ayah/39/12/) [↑](#footnote-ref-4)
5. قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ136بقره

[شما مردم مؤمن از روی حقیقت اقرار کنید و] بگویید: ما به خدا و آنچه به سوی ما نازل شده، و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگانِ [دارای مقام نبوّت] آنان فرود آمده، و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم؛ میان هیچ یک از آنان [در اینکه از سوی خدا برای هدایت مردم مبعوث شده اند] فرقی نمی گذاریم، و ما در برابر او تسلیم هستیم. [↑](#footnote-ref-5)
6. أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ
آیا [اهل کتاب پس از این همه دلایل روشن] غیر دین خدا را خواستارند؟ در حالی که هر که در آسمان ها وزمین است از روی رغبت یا کراهت در برابر او [و اراده و فرمانش] تسلیم است، وهمه به سوی او بازگردانده می شوند. [↑](#footnote-ref-6)